



موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از دیدگاه مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام

کامران طاهرپور^۱، حسین مهدی زاده^۲، زهره معتمدی‌نیا^۳

چکیده

هدف این مطالعه بررسی موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از دیدگاه مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام بود. این تحقیق با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی بود. جامعه آماری مطالعه مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام بودند که از آن ۷۰ نفر به عنوان نمونه برای مطالعه انتخاب شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه بسته استفاده گردید. روایی محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرسنجی متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه موضوع به دست آمد. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میانگین آن برای متغیرهای مطالعه ۹۲ درصد بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون دوجمله‌ای، مقایسه میانگین جامعه با عدد ثابت و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مطابق یافته‌ها مدیران واحدهای نامبرده با گویه‌های "در اولویت بودن کمیت تولید برای نهادهای دولتی و نظارتی" و "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان" بیشترین موافقت و با گویه‌های "عدم آگاهی مصرف‌کنندگان از فواید محصولات ارگانیک" و "عدم آشنایی با مفهوم کشاورزی ارگانیک" بیشترین مخالفت را داشتند.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی ارگانیک، موانع، تعاونی‌های مرغداری، استان ایلام

^۱ استادیار گروه علوم دامی دانشگاه ایلام

^۲ استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی دانشگاه ایلام

^۳ مدرس مدعو گروه کارآفرینی و توسعه روستایی دانشگاه ایلام



مقدمه

رشد سریع جمعیت جوامع بشری و افزایش تقاضا برای مواد غذایی در قرن گذشته موجب تحولی شگرف در کشاورزی سنتی گردید، به گونه‌ای که با توسعه و گسترش علوم و فناوری‌های نوین همچون مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، کاشت ارقام پرمحصول گونه‌های زراعی و باغی و استفاده بی‌رویه از کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی باعث افزایش کمی تولیدات کشاورزی شد و مشکل غذا را در بسیاری از کشورها حل نمود، اما این افزایش تولید با مشکلات زیست محیطی متعددی چون: آلودگی منابع آب و خاک، بروز آفات و بیماری‌های جدید، سوء تغذیه و بیماری در اثر کاهش کیفیت مواد غذایی روبه‌رو شد (کیانی و لیاقتی، ۱۳۸۶)، لذا در دهه‌های اخیر و به ویژه در سال‌های گذشته نگرش‌های جدیدی در ارتباط با بهره‌برداری مناسب و پایدار از منابع طبیعی شکل گرفته است. مبانی چنین دیدگاهی با تاکید بر اصول حفاظت از محیط زیست، درک روابط پیچیده بیولوژیکی و بهره‌گیری از فناوری‌های مناسب و هماهنگ با ویژگی‌های جوامع مربوط می‌باشد. چنین تفکری تمامی جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی را در برمی‌گیرد. از جمله چنین نگرش‌های جدیدی کشاورزی ارگانیک است. کشاورزی ارگانیک رهیافتی است که بر حفاظت از محیط زیست، حیوانات، کیفیت غذا و سلامتی، استفاده پایدار از منابع و اهداف عدالت اجتماعی تمرکز داد (Lampkin, 2003). قابل ذکر است که کشاورزی ارگانیک به عنوان یک مفهوم بیش از ۸۰ سال است که شکل گرفته و پایه‌ریزی شده است، با این حال از اواسط ۱۹۸۰ مورد توجه عمیق سیاستگذاران، مصرف‌کنندگان، محیط زیست شناسان و کشاورزان قرار گرفته است. این نقطه تحول با افزایش دغدغه‌ها در خصوص اثرات منفی زیست محیطی و دیگر اثرات توسعه کشاورزی پس از جنگ و معرفی سیاست‌هایی برای حمایت از اقدامات کشاورزی-زیست محیطی چون کشاورزی پایدار همزمان بوده است (Stolze & Lampkin, 2009).

امروزه مصرف‌کنندگان به غذای ارگانیک به عنوان غذای سالم، بی‌خطر و با کیفیت بالا توجه داشته و به همین منظور خواهان پرداخت پول بیشتری برای این قبیل محصولات هستند (Lockeretz, 2007)، لذا می‌طلبند که کشاورزان به تولید محصولات ارگانیک روی آورند. مطابق مطالعات انجام شده عوامل موثر بر تصمیم کشاورزان برای تبدیل از کشاورزی متعارف به کشاورزی ارگانیک را می‌توان به عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم نمود. عوامل اقتصادی اشاره به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سود ناشی از تفاوت قیمت فروش محصولات ارگانیک دارد. منظور از انگیزه‌های غیراقتصادی دلایل فنی و فردی است که برخی از این موارد عبارتند از: (۱) فقدان اطلاعات لازم و وجود موسسات ترویجی غیرمتخصص، (۲) مسائل و مشکلات بالقوه پیرامون کنترل آفات و بیماری‌هایی که مخاطرات کاهش عملکرد را به همراه دارد، (۳) محدودیت‌های فیزیکی و اقتصادی، (۴) دسترسی محدود به ماشین‌آلات مناسب (شخم، پخش کود دامی)، محدودیت کمک‌های مالی در هنگام بروز مشکلات پیش‌بینی نشده اقتصادی، (۵) عدم همسویی سیاست‌های کلان با کشاورزی ارگانیک، (۶) رقابت شدید بین بخش‌های کشاورزی، صنعتی و شهری برای در اختیار گرفتن زمین بیشتر که مانع تحت پوشش قرار گرفتن سامانه‌های ارگانیک و تنوع زیستی می‌شود، و (۸) محدودیت بازار تولید محصولات ارگانیک و فشارهای مالی که مانع می‌شود کشاورزان مزرعه خود را به سامانه ارگانیک تبدیل کنند (دهقانیان و همکاران، ۱۳۷۵).

چنانچه پیداست ایران از پتانسیل بالایی در تولید محصولات ارگانیک برخوردار بوده و باید از این پتانسیل به عنوان یک امتیاز در تولید محصولات ارگانیک استفاده نماید. باید توجه داشت که در کشور ما نظر به شرایط خشک محیطی و فراوانی نیروی کار تولید محصولات ارگانیک اقتصادی‌تر و آسان‌تر از بسیاری از مناطق جهان می‌باشد (نصر اصفهانی و میرفندرسکی، ۱۳۸۴)، اما با وجود مزایای فراوان نتایج تحقیقات حاکی از آن است که توسعه کشاورزی ارگانیک در جهان و همچنین در ایران با موانع و مشکلات بسیاری مواجه است. مطابق مطالعات کریمی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان "بررسی موانع پیشبرد کشاورزی ارگانیک از دیدگاه کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی" مشخص شد که در بین سه عامل بازدارنده (موانع اقتصادی، شناختی و اطلاعاتی، بینشی)، موانع اقتصادی اولویت داشته، همچنین همبستگی مثبت و معنی‌داری بین موانع اقتصادی بر روند پیشبرد کشاورزی ارگانیک و دیدگاه کارشناسان وجود دارد. مطابق مطالعات مردای و همکاران (۱۳۹۰) عدم آگاهی کشاورزان، عدم حمایت دولت و تضمین بازار برای محصولات ارگانیک با قیمت مناسب به عنوان موانع کشاورزی ارگانیک شناسایی شدند. با استناد به مطالعه هاشمی‌نژاد و رضوانفر (۱۳۸۹) از جمله موانع توسعه کشاورزی ارگانیک نبود بازار مناسب، نبود نهاده‌ها و ارگان‌های حمایتی و کمک‌کننده و نبود استانداردهای مشخص برای تولید این نوع



محصولات بودند. مطابق نتایج مطالعه پاپزن و شیرری (۱۳۹۱) مسائل زیرساختی، مسائل اقتصادی، ضعف دانش و آگاهی کشاورزان، مسائل فنی و مدیریتی، مسائل حمایتی و موانع انگیزشی و نگرشی به عنوان موانع و مشکلات توسعه کشاورزی شناخته شدند، Schneeberge و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه خود درباره "موانع پذیرش کشاورزی ارگانیک در استرالیا" دریافتند که چالش‌های فنی و نیروی کار اضافی مورد نیاز در کشاورزی ارگانیک مهمترین موانع در پذیرش کشاورزی ارگانیک هستند. مطابق مطالعات Bhatta و همکاران (۲۰۰۸) ۹۲ درصد پاسخگویان نسبت به کشاورزی ارگانیک شناخت و آگاهی داشتند، Zhou & Chen (۲۰۰۷) دریافتند که تلویزیون، روزنامه و اینترنت به ترتیب کانال‌هایی بودند که افراد از طریق آنها اطلاعات خود را راجع به محصولات ارگانیک به دست می‌آوردند، Angoulo و همکاران (۲۰۰۳) در خصوص موانع پذیرش محصولات ارگانیک، عدم اطمینان مصرف‌کنندگان از محصولات ارگانیک را مانع اصلی پذیرش این محصولات عنوان نمودند، Gil و همکاران (۲۰۰۰) و Richman & Dimitri (۲۰۰۰) دریافتند که قیمت بالای محصولات ارگانیک و عدم دسترسی مصرف‌کنندگان به این محصولات در مقایسه با محصولات عادی از جمله موانع اصلی پذیرش محصولات ارگانیک می‌باشد. با استناد به نتایج مطالعه رجبی و همکاران (۱۳۹۲) میزان دانش و آگاهی افراد نسبت به محصولات ارگانیک در حد متوسط بود و نگرش افراد نسبت به محصولات ارگانیک در حد متوسط و رو به مساعد برآورد گردید، همچنین با استفاده از تحلیل عاملی مشخص شد که اطلاع رسانی و آموزش، بهبود دسترسی، بهبود ویژگی‌های محصول و ارائه تسهیلات حمایتی عوامل موثر بر پذیرش محصولات ارگانیک می‌باشند. با توجه به آنچه گفته شد، این تحقیق در پی بررسی موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از دیدگاه مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام می‌باشد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر بر مبنای هدف کاربردی و بر مبنای روش توصیفی - همبستگی می‌باشد. در این پژوهش استان ایلام با توجه به امکان دسترسی محققان انتخاب گردید. جامعه آماری تحقیق مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام بودند که از آن ۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. قابل ذکر است که با توجه به موجود بودن لیست تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده بود، اما در عمل نوعی سرشماری صورت پذیرفت. در این مطالعه برای سنجش موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از ۲۵ گویه استفاده شد، همچنین نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک توسط ۸ گویه و در قالب طیف ۴ ارزشی سنجیده شد. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظرسنجی متخصصان و صاحب نظران در زمینه موضوع به دست آمد. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میانگین آن برای متغیرهای مطالعه ۹۲ درصد بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS تحت ویندوز نسخه ۱۹ استفاده گردید. در این مطالعه از آزمون دوجمله‌ای، مقایسه میانگین جامعه با عدد ثابت و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها و بحث

آزمون دوجمله‌ای موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک

جدول ۱، نتایج آزمون دوجمله‌ای موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک را از دیدگاه مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام نشان می‌دهد.



جدول ۱. موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک

نسبت مخالف	نسبت موافق	نسبت آزمون	گویه‌ها
۲۷	۴۳	۰/۰۷	عدم آشنایی عمومی با مفهوم کشاورزی ارگانیک
۲۷	۴۳	۰/۰۷	عدم آگاهی عمومی در خصوص محصولات ارگانیک
۲۹	۴۱	۰/۱۸	عدم آگاهی مصرف‌کنندگان از فواید محصولات ارگانیک
۲۳	۴۷	۰/۰۰۶	نداشتن تجربه کافی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک در میان تولیدکنندگان
۱۷	۵۳	۰/۰۰۰	نداشتن دانش فنی کافی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک در میان تولیدکنندگان
۱۷	۵۳	۰/۰۰۰	نداشتن مهارت کافی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک در میان تولیدکنندگان
۲۰	۵۰	۰/۰۰۰	عدم حمایت‌های لازم برای تولید محصولات ارگانیک
۲۵	۴۵	۰/۰۲	کمبود و نبود آموزش از طریق کلاس‌های ترویجی
۲۴	۴۶	۰/۰۱	کمبود و نبود آموزش از طریق صدا و سیما
۲۰	۵۰	۰/۰۰۰	کمبود و نبود آموزش از طریق نشریات آموزشی
۲۱	۴۹	۰/۰۰۱	قیمت تمام شده بالای محصول
۲۱	۴۹	۰/۰۰۱	عدم خرید تضمینی محصولات ارگانیک از سوی نهادهای ذی ربط و مرتبط
۲۰	۵۰	۰/۰۰۰	عدم اعطای وام و تسهیلات بانکی برای تولید محصولات ارگانیک
۲۴	۴۶	۰/۰۱	نیاز به نیروی کار اضافی برای تولید محصولات ارگانیک
۱۸	۵۲	۰/۰۰۰	کمبود دانش و آگاهی در میان مصرف‌کنندگان
۲۰	۵۰	۰/۰۰۰	ضعف در فرهنگ و بینش مصرف‌کنندگان
۱۴	۵۶	۰/۰۰۰	اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان
۱۷	۵۳	۰/۰۰۰	نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان
۱۷	۵۳	۰/۰۰۰	سود محور بودن تولیدکنندگان
۱۸	۵۲	۰/۰۰۰	نداشتن زیر ساخت مناسب فنی و مهندسی در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان
۱۵	۵۵	۰/۰۰۰	نبود قانون در میان نهادهای دولتی و نظارتی
۲۳	۴۷	۰/۰۰۶	عدم کنترل و نظارت دستگاه‌های دولتی و نظارتی بر واحدهای تولیدی
۱۵	۵۵	۰/۰۰۰	بی‌توجهی مسئولان
۱۵	۵۵	۰/۰۰۰	در اولویت نبودن غذای سالم برای نهادهای دولتی و نظارتی
۱۳	۵۷	۰/۰۰۰	در اولویت بودن کمیت تولید برای نهادهای دولتی و نظارتی

بر اساس نتایج جدول ۱، مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی به ترتیب با گویه‌های "در اولویت بودن کمیت تولید برای نهادهای دولتی و نظارتی" و "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان" بیشترین موافقت و با گویه‌های "عدم آگاهی مصرف‌کنندگان از فواید محصولات ارگانیک"، "عدم آشنایی عمومی با مفهوم کشاورزی ارگانیک" و "عدم آگاهی عمومی در خصوص محصولات ارگانیک" بیشترین مخالفت را دارند.

آزمون مقایسه میانگین نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک

به منظور مشخص نمودن وضعیت نگرش مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی مورد مطالعه نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از آزمون مقایسه میانگین جامعه با عدد ثابت استفاده شده است. عدد ثابت برای این متغیر ۲/۸ فرض گردیده، بدین صورت که اگر میانگین متغیر نام برده ۲/۸ یا بالاتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مدیران مزبور نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک بالاتر از حد متوسط بوده، لازم به ذکر است که میانگین ۲/۸ معادل ۶۰ درصد در طیف ۴ ارزشی است.



جدول ۲. آزمون مقایسه میانگین نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک

متغیر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	T	df	sig
نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک	۳/۲	۰/۶۶	۰/۰۷	۵/۰۲	۶۹	/۰۰۰

مطابق نتایج جدول ۲، میانگین متغیر نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک ۳/۲ و بالاتر از حد متوسط (۲/۸) می‌باشد.

ارتباط بین موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک و نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک

به منظور بررسی این فرض که آیا بین موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک و نگرش مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک ارتباطی وجود دارد یا نه؟ از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. شناسایی ارتباط بین موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک و نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک

متغیرها	نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک
R	Sig
عدم آشنایی با مفهوم کشاورزی ارگانیک	۰/۰۹
عدم آگاهی عمومی در خصوص محصولات ارگانیک	۰/۰۷
عدم آگاهی مصرف کنندگان از فواید محصولات ارگانیک	۰/۰۴
نداشتن تجربه کافی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک در میان تولیدکنندگان	۰/۰۶
نداشتن دانش فنی کافی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک در میان تولیدکنندگان	۰/۳۶
نداشتن مهارت کافی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک در میان تولیدکنندگان	۰/۴۹
عدم حمایت‌های لازم برای تولید محصولات ارگانیک	۰/۰۴
کمبود و نبود آموزش از طریق کلاس‌های ترویجی	۰/۰۱
کمبود و نبود آموزش از طریق صدا و سیما	۰/۰۱
کمبود و نبود آموزش از طریق نشریات آموزشی	۰/۰۲
قیمت تمام شده بالای محصول	۰/۱
عدم خرید تضمینی محصولات ارگانیک از سوی نهادهای ذی ربط و مرتبط	۰/۰۱
عدم اعطای وام و تسهیلات بانکی برای تولید محصولات ارگانیک	۰/۰۸
نیاز به نیروی کار اضافی برای تولید محصولات ارگانیک	۰/۰۳
کمبود دانش و آگاهی در میان مصرف کنندگان	۰/۰۱
ضعف در فرهنگ و بینش مصرف کنندگان	۰/۰۵۸
اوضاع اقتصادی مصرف کنندگان	۰/۰۳
نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان	۰/۰۳
سود محور بودن تولیدکنندگان	۰/۰۱
نداشتن زیر ساخت مناسب فنی و مهندسی در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان	۰/۰۰۵
نبود قانون در میان نهادهای دولتی و نظارتی	۰/۰۶
عدم کنترل و نظارت دستگاه‌های دولتی و نظارتی بر واحدهای تولیدی	۰/۲۳
بی‌توجهی مسئولان	۰/۰۰۹
در اولویت نبودن غذای سالم برای نهادهای دولتی و نظارتی	۰/۱۱
در اولویت بودن کمیت تولید برای نهادهای دولتی و نظارتی	۰/۰۸



چنانچه از نتایج جدول ۳ بر می آید، بین گویه‌های "عدم آگاهی مصرف‌کنندگان از فواید محصولات ارگانیک"، "عدم حمایت‌های لازم برای تولید محصولات ارگانیک"، "کمبود و نبود آموزش از طریق کلاس‌های ترویجی"، "کمبود و نبود آموزش از طریق صدا و سیما"، "کمبود و نبود آموزش از طریق نشریات آموزشی"، "عدم خرید تضمینی محصولات ارگانیک از سوی نهادهای ذی ربط و مرتبط"، "نیاز به نیروی کار اضافی برای تولید محصولات ارگانیک"، "کمبود دانش و آگاهی در میان مصرف‌کنندگان"، "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان"، "نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان"، "سود محور بودن تولیدکنندگان"، "نداشتن زیرساخت مناسب فنی و مهندسی در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان"، "بی‌توجهی مسئولان" و نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد، با این وجود "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان" و "نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان" بالاترین و "عدم حمایت‌های لازم برای تولید محصولات ارگانیک" پایین‌ترین همبستگی‌ها را با نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در سال‌های اخیر به علت رشد روزافزون جمعیت نگرش اولیه نوع بشر به طبیعت که نگرشی دوستانه بود، جای خود را به تعاملی یک‌جانبه و بر علیه طبیعت داد. بدین صورت که کودهای شیمیایی، سموم دفع آفات نباتی، فراورده‌های هورمونی و... به بخش کشاورزی وارد شدند و به مدد بهره‌گیری از ارقام اصلاح شده، جهش‌های بزرگی در افزایش تولید محصولات کشاورزی به وجود آمد تا به تقاضای رو به رشد مواد غذایی پاسخ داده شود، اما این افزایش تولید مشکلات زیست محیطی و بهداشتی را برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در پی داشت که بسیار تأمل برانگیزند. هدف این مطالعه بررسی موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از دیدگاه مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام بود که نتایج زیر را در پی داشت:

مطابق نتایج، مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام با گویه‌های "در اولویت بودن کمیت تولید برای نهادهای دولتی و نظارتی"، "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان"، "نبود قانون در میان نهادهای دولتی و نظارتی در خصوص تولید به شیوه ارگانیک"، "بی‌توجهی مسئولان" و "در اولویت نبودن غذای سالم برای نهادهای دولتی و نظارتی" بیشترین موافقت را داشتند و آنها را به عنوان عمده‌ترین موانع اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک می‌شناختند، با این وجود با گویه‌های "عدم آگاهی مصرف‌کنندگان از فواید محصولات ارگانیک"، "عدم آشنایی عمومی با مفهوم کشاورزی ارگانیک" و "عدم آگاهی عمومی در خصوص محصولات ارگانیک" بیشترین مخالفت را داشتند. می‌توان چنین برداشت نمود که از عمده موانع پیش‌روی نهادینه شدن کشاورزی ارگانیک در تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام توجه صرف نهادهای دولتی و نظارتی به کمیت و مقدار تولید، بی‌توجهی مسئولان ذی ربط به اهمیت موضوع کشاورزی ارگانیک، عدم وضع قانون در خصوص اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک توسط نهادهای دولتی و نظارتی، کم توجهی و یا عدم توجه نهادهای دولتی و نظارتی بر سالم بودن مواد غذایی و نیز مشکلات اقتصادی مصرف‌کنندگان محصولات ارگانیک به دلیل قیمت بالای محصولات می‌باشد، لذا به جد می‌طلبد تا ابتدا اهمیت و محوریت تولید به شیوه ارگانیک در میان متولیان امر نهادینه شود، تا آنگاه به واسطه وضع قوانین و مقررات مناسب و نیز اعمال نظارت و کنترل‌های بهینه میزان تولید محصولات ارگانیک ارتقا یافته و از دیگر سو می‌طلبد که دولت قدری از بار مالی مصرف‌کنندگان بکاهد، چرا که تمام هزینه‌های محصولات ارگانیک را نمی‌توان به دوش مصرف‌کنندگان گذاشت، زیرا اولاً پرداختن به کشاورزی ارگانیک برای جامعه و محیط زیست منافی دارد، به این ترتیب نه فقط مصرف‌کننده محصولات ارگانیک به تنهایی از آن نفع نمی‌برد، بلکه بهره آن به کل جامعه و محیط زیست نیز می‌رسد، بنابراین منصفانه است که بخشی از این هزینه‌ها را دولت به نمایندگی از طرف جامعه خود پرداخت نماید، ثانیاً تحمیل کلیه هزینه‌های یاد شده علاوه بر نقض اصل انصاف منشور کشاورزی ارگانیک موجب کاهش شدید تقاضا در نتیجه عدم موفقیت این سیستم تولید خواهد شد. قابل ذکر است که این یافته با یافته‌های کریمی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر اولویت موانع اقتصادی به عنوان مانع پیشبرد کشاورزی ارگانیک موافق و همسو بود. در نقطه مقابل مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام بر این باورند که مصرف‌کنندگان محصولات ارگانیک چندان هم از فواید این محصولات ناآگاه نبوده، همچنین عموم مردم با مفهوم کشاورزی ارگانیک آشنا بوده و از وجود محصولات ارگانیک آگاهی دارند.



مطابق نتایج میانگین متغیر نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک $\frac{3}{2}$ و بالاتر از حد متوسط ($\frac{2}{8}$) برآورد گردید، به عبارتی اکثر مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک در واحدهای خود از نگرش مثبت و مساعدی برخوردار بودند.

مطابق نتایج، بین گویه‌های "عدم آگاهی مصرف‌کنندگان از فواید محصولات ارگانیک"، "عدم حمایت‌های لازم برای تولید محصولات ارگانیک"، "کمبود و نبود آموزش از طریق کلاس‌های ترویجی"، "کمبود و نبود آموزش از طریق صدا و سیما"، "کمبود و نبود آموزش از طریق نشریات آموزشی"، "عدم خرید تضمینی محصولات ارگانیک از سوی نهادهای ذی ربط و مرتبط"، "نیاز به نیروی کار اضافی برای تولید محصولات ارگانیک"، "کمبود دانش و آگاهی در میان مصرف‌کنندگان"، "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان"، "نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان"، "سود محور بودن تولیدکنندگان"، "نداشتن زیرساخت مناسب فنی و مهندسی در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان"، "بی‌توجهی مسئولان" و نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود داشت، با این وجود "اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان" و "نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی تولیدکنندگان" بالاترین و "عدم حمایت‌های لازم برای تولید محصولات ارگانیک" پایین‌ترین همبستگی‌ها را با نگرش نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک داشتند، به عبارتی اوضاع اقتصادی مصرف‌کنندگان محصولات ارگانیک و نبود تکنولوژی مناسب در واحدهای تولیدی قویاً نگرش مدیران تعاونی‌های مرغداری گوشتی استان ایلام را نسبت به اجرای سیاست‌های کشاورزی ارگانیک تحت تأثیر قرار می‌دهد.

منابع

- پاپ زن، ع.، ن. شیری. (۱۳۹۱). بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک. *فصلنامه اقتصاد و توسعه روستایی*، سال یکم، شماره ۱، ۱۱۳-۱۲۶.
- دهقانیان، س.، ع. کوچکی. (۱۳۷۵). اقتصاد اکولوژیک و کشاورزی ارگانیک. انتشاران جهاد دانشگاهی مشهد.
- رجبی، آ.، ح. شعبانعلی فمی، م. پورآتش. (۱۳۹۲). بررسی مولفه‌های پذیرش محصولات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه مصرف‌کنندگان (مطالعه موردی شهرستان کرج). *فصلنامه علوم و صنایع غذایی*، شماره ۳۸، دوره ۱۰، ۴۳-۳۳.
- کریمی، ا.، صدیقی، ح.، بابایی، ع. (۱۳۹۰). بررسی موانع پیشبرد کشاورزی ارگانیک از دیدگاه کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۲-۴۲، شماره ۲، ۲۴۳-۲۳۱.
- کیانی، غلام‌حسین، لیاقتی، هومان. (۱۳۸۶). تحلیل شرایط اقتصادی تبدیل کشاورزی رایج به کشاورزی ارگانیک با استفاده از مدل برنامه‌ریزی خطی پویا. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی کشاورزی بوم‌شناختی*. ایران. گرگان. ۲۷۳۷-۲۷۲۷.
- مرادی، ژ.، ح. حیدری، م.، عزیزی، ا.، یعقوبی. (۱۳۹۰). تحلیل جایگاه کشاورزی ارگانیک به عنوان بستر توسعه پایدار کشاورزی از دیدگاه کشاورزان (مطالعه موردی شهرستان‌های دیواندره و قروه). *مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی*، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۵ و ۱۶ تیرماه.
- نصر اصفهانی، او، س.، میرفندرسکی. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت کشاورزی ارگانیک در ایران و جهان. وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و اقتصادی، موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- هاشمی‌نژاد، آ.، ا. رضوانفر. (۱۳۸۹). بررسی موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه تولیدکنندگان محصولات ارگانیک شهرستان روانسر استان کرمانشاه. *مجموعه مقالات شفاهی اولین کنگره چالش‌های کود در ایران: نیم قرن مصرف کود*، ۱۰ و ۱۲ اسفند ماه.

Angulo, A.M., Gil, J.M. and Tamburo, L. (2003), *Food safety and consumers' willingness to pay for labelled beef in Spain*, paper presented at the 83rd EAAE Seminar, Chania, 4-6 September, available at: www.maich/eaee.gr

Bhatta, G.D., Doppler, W. and Ranabhat, A. (2008). *Potentials of Organic Agriculture in Nepal*. In P. Chaudhary; K. Aryal and D. Tharu (ed.), *Proceedings of International Workshop on Opportunities and Challenges of Organic Production and Marketing in South Asia*, NPG, Kathmandu, Nepal, pp.34-46.



Gil, J.M., Gracia, A. and Sanchez, M. (2000). *Market segmentation and willingness to pay for organic products in Spain*. *Int. Food Agribusiness Manage. Rev.*, 3: 207-226.

Lampkin, N.H. (2003). *From conversion payments to integrated action plans in the European Union*. In: OECD (Ed.), *Organic Agriculture: Sustainability, Markets and Policies*. CABI Publishing, Wallingford. 313-328.

Lockeretz, W. (Ed.). (2007). *Organic Farming: An International History*. CABI Publishing, Wallingford.

Schneeberger, W., Darnhofer, I., and Michael, Eder. (2002). Barriers to the adoption of organic farming by cash-crop producers in Austria. *American Journal of Alternative Agriculture*, 17(1), 2002.

Stolze, M., and Lampkin, N. (2009). *Policy for organic farming: Rationale and concepts*. *Food Policy*, 34 (2009) 237-244.

Richman, N. and Dimitri, C. (2000). *Organic foods: Niche ignalling venture into mainstream*. *Agricultural Outlook*, June-July, 11-14.

Zhou, L. and Chen, T. (2007). *Consumer perception of organic food in Urumqi*. Contributed Paper Prepared for Presentation at the 105th EAAE Seminar 'International Marketing and International Trade of Quality Food Products' Bologna, Italy, March 8-10, 2007.